برکناری دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (کریم خان) و چالش‌های ساختاری و راهکارهای پیش‌بینی‌شده در نظام حقوقی دیوان

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه | ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Unedited

چکیده

دیوان کیفری بین‌المللی در ماه ژوئن و ژوئیه ۲۰۲۶ میلادی با یکی از پیچیده‌ترین و بی‌سابقه‌ترین بحران‌های نهادی خود از زمان تأسیس مواجه شد که آن تعلیق اجباری و متعاقباً برکناری کریم‌خان، دادستان دیوان در پی اتهامات مرتبط با سوءرفتار جنسی و سوءاستفاده از قدرت بود. این رویداد در میانه تنش‌های شدید ژئوپلیتیک و رسیدگی به پرونده‌های حساسی چون فلسطین و اوکراین رقم خورد، کارآمدی و مشروعیت رکن تعقیب این سازمان را با چالشی بنیادین روبه‌رو ساخت. این پژوهش با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی و مستدل به تفسیر مواد اساسنامه رم و مقررات دیوان پرداخته و ابعاد حقوقی و عملی غیبت دادستان را بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خلأ رهبری در دفتردادستانی، نه‌تنها به تأخیر در تصمیم‌گیری‌های قضایی کلیدی (مواد ۱۵، ۴۲ و ۵۳) می‌انجامد بلکه چالش‌های حقوقی پیچیده‌ای در زمینه تفویض اختیارات به معاونان دادستان ایجاد می‌کند. اگرچه نظام حقوقی دیوان راهکارهایی نظیر جانشینی موقت، تعلیق احتیاطی (قاعده ۲۸)، نقش سازوکار نظارت مستقل و مداخله شعب مقدماتی (ماده ۵۶) را پیش‌بینی کرده است اما تضاد در استانداردهای اثباتی رویه‌های انضباطی (تقابل رویه دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار با رویکرد مجمع کشورهای عضو) و ناکارآمدی نهادهای نظارتی داخلی، ناکافی بودن ابزارها موجود را آشکار کرده است و نتیجه‌گیری مسطور بر ضرورت اصلاحات فوری ساختاری و شفاف‌سازی استانداردهای حقوقی برای تضمین استقلال و یکپارچگی دیوان تأکید می‌ورزد.

کلمات کلیدی: دیوان کیفری بین‌المللی، اساسنامه رم، دفتر دادستانی، سازوکار نظارت مستقل، برکناری دادستان.

The Dismissal of the International Criminal Court Prosecutor (Karim Khan): Structural Challenges and Statutory Remedies within the Court's Legal System

Abstract

In June and July 2026, the International Criminal Court (ICC) faced an unprecedented institutional crisis when the Assembly of States Parties (ASP) mandatorily suspended and subsequently dismissed Prosecutor Karim Khan over serious allegations of sexual misconduct, organizational intimidation, and abuse of power. Occurring alongside intense geopolitical pressure and active ongoing investigations into high-profile situations in Palestine, Ukraine, and Afghanistan, this abrupt removal exposed deep structural vulnerabilities within the Office of the Prosecutor (OTP). Using a descriptive-analytical approach, this article examines the Rome Statute, the Rules of Procedure and Evidence, and international administrative law to assess the legal and practical effects of the Prosecutor's absence. Because Article 42 vests centralized executive authority directly in the Chief Prosecutor, a sudden leadership vacuum stalls critical strategic decisions, including proprio motu investigations under Article 15, interest-of-justice assessments under Article 53, and arrest warrant applications under Article 58. Although the Court's legal architecture provides contingency mechanisms such as temporary succession by Deputy Prosecutors, precautionary suspension under Rule 28, oversight by the Independent Oversight Mechanism (IOM), and compensatory judicial intervention by Pre-Trial Chambers under Article 56, practice has revealed significant normative gaps. Acting deputies lack the political mandate needed for irreversible prosecutorial decisions, exposing their actions to procedural defense challenges. Meanwhile, the IOM failed to protect internal whistleblower confidence, compelling the ASP to outsource the investigation to the United Nations Office of Internal Oversight Services (OIOS). Most notably, the case revealed a sharp conflict over evidentiary thresholds: whereas a three-judge panel applied binding International Labour Organization Administrative Tribunal (ILOAT) precedent requiring strict proof beyond a reasonable doubt, the ASP invoked political discretion and lower administrative standards to dismiss Khan. Preserving prosecutorial independence and institutional integrity therefore requires codifying clear evidentiary standards for disciplinary removal, granting the IOM full structural and financial autonomy, and explicitly defining the exact authority of acting deputies.

Keywords: International Criminal Court (ICC), Rome Statute, Office of the Prosecutor (OTP), Independent Oversight Mechanism (IOM), Dismissal of the Prosecutor, ILOAT Jurisprudence.

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

مقدمه

دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) به عنوان یگانه مرجع قضایی دائمی برای رسیدگی به شنیع‌ترین جنایات بین‌المللی، همواره در تقاطع ملتهب عدالت و سیاست جهانی ایستاده است(صابر، ۱۴۰۱: ۵۵). با این حال، بحرانی که در فاصله سال‌های ۲۰۲۴ تا تابستان ۲۰۲۶ گریبان‌گیر این نهاد شد نه از ساختار و نهادهای ژئوپلیتیک، بلکه از درون ساختار اداری آن نشأت گرفت و شالوده مشروعیت نهادی آن را به لرزه درآورد. تعلیق و متعاقباً برکناری تاریخی کریم خان[1]، سومین دادستان دیوان توسط مجمع کشورهای عضو (ASP)، نقطه پایانی بر وجود چالش اتهامات مرتبط با آزار جنسی[2]، سوءاستفاده از قدرت سازمانی و ایجاد فضای ارعاب علیه کارکنان دفتر دادستانی بود و رویدادی که به وضوح نشان داد عالی‌ترین نهاد عدالت کیفری جهان که خود تا چه حد در برابر بحران‌های اخلاقی و اداری آسیب‌پذیر است(افراسیابی، ۱۴۰۴: ۲۷). این چالش، ناکارآمدی سازوکارهای داخلی دیوان را به عیان به تصویر کشید. هنگامی که در بهار ۲۰۲۴، سازوکار نظارت مستقل دیوان (IOM) به دلیل امتناع شاکی از همکاری که ریشه در بی‌اعتمادی به مکانیسم‌های داخلی و ترس از انتقام‌جویی شغلی داشت مجبور به مختومه اعلام کردن پرونده شد، مجمع کشورهای عضو در اقدامی بی‌سابقه، تحقیقات را به دفتر خدمات نظارت داخلی سازمان ملل (OIOS) برون‌سپاری کرد. حاصل هجده ماه بررسی این نهاد خارجی، گزارشی حجیم با ۱۳۷ یافته هشداردهنده بود. اما نقطه اوج این مسئله سردرگم حقوقی زمانی رقم خورد که در مارس ۲۰۲۶، یک هیئت قضایی متشکل از سه قاضی ارشد بین‌المللی، پس از ارزیابی گزارش، به اتفاق آرا اعلام کردند که ادله موجود برای اثبات سوءرفتار، با استاندارد اثباتی فراتر از شک معقول (Beyond a reasonable doubt) مطابقت ندارد. با وجود این نتیجه‌گیری قاطع قضایی، هیئت رئیسه مجمع با نادیده انگاشتن نظر قضات و با تکیه بر اختیارات انضباطی خود، ابتدا در ژوئن ۲۰۲۶ حکم به تعلیق فوری دادستان داد و نهایتاً در ژوئیه همان سال با کسب ۸۲ رأی موافق از ۱۲۵ کشور عضو به برکناری قطعی وی را رقم زد(United Nations, 2026) (The Guardian, 2026) (QUELL, 2026).

این بحران دقیقاً در مقطعی به نقطه اوج رسید که دیوان در حال رسیدگی به حساس‌ترین پرونده‌های تاریخ خود بود. تصمیم جسورانه دادستان در درخواست صدور احکام جلب برای مقامات ارشد روسیه و اسرائیل (پوتین و نتانیاهو) (حسینی‌اکبری‌نژاد، ۱۴۰۵: ۴۵)(باقری و همکاران، ۱۴۰۲: ۶)، خشم قدرت‌های هژمونیک را برانگیخت؛ تا جایی که تهدیدات صریح سناتورهای آمریکایی و اعمال تحریم‌ها علیه مقامات دیوان، پرده از یک کارزار هدفمند و نظامند برای ارعاب نهاد تعقیب برداشت. در چنین بستر پرتنشی، بسیاری از حقوق‌دانان و تیم دفاعی دادستان معتقدند که اتهامات اخلاقی به ابزاری تسلیحاتی در دست مخالفان دیوان بدل شد تا با ترور شخصیت عالی‌ترین مقام تعقیب، استقلال و کارآمدی کل سیستم عدالت کیفری بین‌المللی را فلج کرده و از اجرای دادرسی عادلانه جلوگیری کنند (van den Berg & Deutsch, 2026) (Bridgeman et al., 2024).

---

[1] وی در سال ۱۹۷۰ در خانواده‌ای با ریشه‌های پاکستانی از پدری پزشک وپاکستانی تبار و مادری اینگلیسی متولد شد و به عنوان وکیل مدافع در پرونده‌های کیفری بین المللی فعالیت‌های حقوقی خود رآغاز کرد و پیش از پیوستن به دیوان در دادگاه‌های بین المللی متعددی از جمله دادگاه‌های ویژه یوگسلاوی سابق، لبنان، روندا و کامبوج حضور داشته و همچنین در سال ۲۰۱۸ به عنوان ریس تیم تحقیقات سازمان ملل درباره جنایات داعش در عراق منصوب شده بود.

[2] دادستان ارشد برکنارشده دیوان کیفری بین‌المللی، با اتهاماتی مبنی بر سوءرفتار، آزار جنسی بدون رضایت و برقراری رابطه توأم با اعمال فشار با یکی از دستیاران زن رده پایین خود (که در رسانه‌ها با نام مستعار سارا معرفی شد) در می۲۰۲۴ مواجه شد. بر اساس گزارش‌ها و روند تحقیقات مجمع کشورهای عضو دیوان، او متهم شد که بیش از یک سال برای برقراری رابطه جنسی با این کارمند رده‌پایین تلاش کرده و متعاقباً برای ممانعت از پیگیری این شکایت دست به اقدامات بازدارنده زده است. در حالی که کریم خان تمامی این اتهامات را تکذیب کرده و آن‌ها را یک توطئه و کارزار اطلاعاتی جعلی در تلافی صدور حکم بازداشت مقامات اسرائیلی و روسی می‌داند ولی مجمع کشورهای عضو دیوان این پرونده را مصداق سوءرفتار جدی و نقض فاحش وظایف تشخیص داد و در جولای ۲۰۲۶ با اکثریت آرا رأی به برکناری رسمی او از این مقام داد.

فراتر از حواشی سیاسی، این رویداد چالشی ساختاری و دکترینال را پیش روی حقوق بین‌الملل کیفری قرار داده است چراکه حذف ناگهانی بالاترین مقام دادستانی، صرفاً معضل منابع انسانی نبوده و نیست بلکه مستقیماً بر اعتبار کیفرخواست‌ها، تداوم تحقیقات جاری و صدور قرارهای جلب جدید سایه می‌افکند و می‌تواند به یک بحران مشروعیت منجر شود. پرسش بنیادین که این پژوهش در پی پاسخ به آن است، دقیقاً در همین خلأ قدرت قالب‌بندی می‌شود که غیبت اجباری و تعلیق دادستان دیوان در شرایط بحرانی، چه چالش‌های عملی و بن‌بست‌های رویه‌ای غامضی را ایجاد می‌کند؟ هرچند اساسنامه رم در مواد ۴۶ و ۴۷ به صراحت شرایط برکناری را تبیین کرده و قواعد ۱۰ و ۱۱ از آیین دادرسی و ادله، تفویض اختیارات به معاونان را پیش‌بینی نموده است اما نظام حقوقی دیوان در مواجهه با وضعیت تعلیق موقت اجباری و آثار حقوقی فوری آن با سکوت و خلأ هنجاری جدی مواجه است. این پژوهش با اتخاذ رویکردی تفسیری-تحلیلی تلاش می‌کند تا ضمن واکاوی این ابهامات، سازوکارهای جایگزین و سناریوهای حقوقی محتمل برای عبور دیوان از این بن‌بست رویه‌ای را تبیین نماید (Schabas, 2016) (Milaninia, 2025).

۱. مشکلات ناشی از تعلیق یا برکناری دادستان برای عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی

در این گفتار به بررسی مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های ناشی از تعلیق یا برکناری دادستان برای عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی خواهیم پرداخت.

۱-۱- خلأ رهبری

مهم‌ترین و مشهودترین پیامد تعلیق دادستان، خلأ رهبری در دفتر دادستانی (Office of the Prosecutor - OTP) است که پیشبرد تحقیقات جاری دیوان را در یکی از حساس‌ترین وضعیت‌های بین‌المللی با اخلال جدی مواجه می‌سازد. بر اساس ماده ۴۲ بند ۱ (اساسنامهٔ رم، ۱۹۹۸، ماده ۴۲)، دفتر دادستانی رکنی کاملاً مستقل در ساختار دیوان بوده است و در بند ۲ همان ماده تصریح شده که مدیریت و اداره کامل دفتر، از جمله کارکنان و منابع آن، منحصراً در اختیار دادستان قرار دارد. این تمرکز قدرت سازمانی بدان معناست که تمامی تصمیمات کلان استراتژیک به اراده شخص خود دادستان گره خورده است(BERGSMO, 2015: 1). کارستن اشتان (حقوقدان برجسته بین‌المللی و استاد حقوق کیفری بین‌المللی در دانشکده حقوق دانشگاه لیدن-هلند) در ارزیابی انتقادی خود، دادستان دیوان را همانند نگهبان و پاسبان (Gatekeeper) نظام عدالت کیفری بین‌المللی توصیف می‌کند که با استفاده از مصلحت‌اندیشی گسترده خود، مرزهای پاسخگویی کیفری را تعیین می‌نماید (Stahn, 2020, p. 115). با غیبت و نبود این نگهبان، پرونده‌های پرتنشی نظیر وضعیت فلسطین که که پیش از این کریم خان در مه ۲۰۲۴ با شجاعت تمام درخواست صدور احکام جلب برای بنیامین نتانیاهو و یوآو گالانت را مطرح کرده بود دچار ایستایی می‌شوند و این پرونده به‌طور ویژه نیازمند مقابله با کارشکنی‌های دیپلماتیک، چالش‌های صلاحیتی از سوی دولت‌های ثالث و هجمه بی‌سابقه ارائه‌دهندگان نظرات مشورتی (Amicus Curiae) است (شیروانی و همکاران، ۱۴۰۵: ۷). به همین ترتیب، تحقیقات در وضعیت‌های اوکراین (که منجر به صدور حکم جلب ولادیمیر پوتین در مارس ۲۰۲۳ شد) (قربان جهرمی، ۱۴۰۴: ۱۰) (رنجبردافچاهی و قدیر، ۱۴۰۴: ۴۴)، افغانستان (که با تحریم‌های آمریکا علیه مقامات دیوان همراه گردید) (داعی‌الاسلام، ۱۴۰۱: ۱۴۴-۱۴۳) (صالحی، ۱۴۰۱: ۱۹۳-۱۹۳)، در فقدان یک رهبری باثبات و دارای پشتوانه سیاسی محکم، در حالت تعلیق عملیاتی قرار می‌گیرند.

۱-۲- تأخیر در تصمیم‌گیری‌های راهبردی تعقیبی و تحقیقی

فارغ از ابعاد مدیریتی، تأخیر در تصمیم‌گیری‌های کلیدی قضایی یکی دیگر از بحران‌های ناشی از غیبت دادستان است که اساسنامه رم مجموعه‌ای از اختیارات انحصاری را به شخص دادستان اعطا کرده که هیچ مقام دیگری در دیوان از جمله معاونان دادستان نمی‌تواند بدون ابهام قانونی آن‌ها را اعمال کند. این اختیارات انحصاری، دادستان را به شخصیتی غیرقابل جایگزین در معماری قضایی دیوان تبدیل ساخته است. بر اساس ماده ۱۵ اساسنامه به دادستان اختیار بی‌بدیلی برای آغاز تحقیقات رأساً اعطا کرده است و ماده ۵۳ چارچوب ارزیابی منافع عدالت و مبانی معقول برای شروع تحقیقات را منحصراً در حیطه صلاحیت وی قرار می‌دهد (اساسنامهٔ رم، ۱۹۹۸، مواد ۱۵ و ۵۳) و افزون بر این درخواست

صدور احکام جلب (ماده ۵۸) و تأیید اتهامات (ماده۶۱)، روندهایی هستند که نیازمند هدایت و امضای مستقیم دادستان می‌باشند. ویلیام شاباس (حقوقدان برجسته بین‌المللی کانادایی و یکی از تأثیرگذارترین اندیشمندان جهان در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی، حقوق بشر، نسل‌کشی و لغو مجازات اعدام است) در تبیین جایگاه دادستان تأکید می‌کند که قدرت انتخاب وضعیت‌ها و تعیین اینکه تعقیب کدام پرونده‌ها با منافع عدالت هم‌راستاست، ماهیتی به‌شدت سیاسی-حقوقی دارد و نیازمند شجاعت، درک دیپلماتیک و مشروعیت ناشی از انتخاب مستقیم توسط مجمع کشورهای عضو است (Schabas, 2020: 321). در غیاب دادستان، جانشینان یا سرپرستان موقت معمولاً از اتخاذ تصمیمات تاریخ‌ساز مانند بستن یک پرونده بزرگ یا درخواست جلب رهبران یک قدرت جهانی اجتناب می‌ورزند که این امر موجب تأخیرهای طولانی‌مدت در دادرسی‌ها و تضییع حقوق قربانیان می‌گردد. این انفعال سازمانی به طور مستقیم به تضعیف استقلال و بی‌طرفی ظاهری دیوان می‌انجامد. مخالفان دیوان همواره مترصد و امیدوار فرصتی هستند تا تعلل یا اقدامات احتیاطی دفتر دادستانی را به حساب تسلیم شدن در برابر فشارهای سیاسی بگذارند. وقتی دیوان به دلیل تعلیق دادستانش نتواند با همان سرعت و قاطعیت پیشین عمل کند، روایت‌های رسانه‌ای مبنی بر سیاسی بودن دیوان و استانداردهای دوگانه تقویت شده و مشروعیت کل نهاد در افکار عمومی فرو می‌پاشد (Lepard, 2010, p. 555).

۳-۱- تفویض اختیارات به معاونان دادستان

از منظر دکترین حقوقی، تفویض اختیارات به معاونان دادستان در دوران تعلیق وی، با چالش‌ها و ابهامات بنیادینی مواجه است که می‌تواند تمام تصمیمات اتخاذشده در این دوره را در معرض خطر ابطال قرار دهد. ماده ۴۲ بند ۲ اساسنامه مقرر می‌دارد که معاونان حق دارند هر یک از اقداماتی را که طبق این اساسنامه بر عهدهٔ دادستان است، انجام دهند (اساسنامهٔ رم، ۱۹۹۸، ماده ۴۲(۲)). اگرچه ظاهر این ماده دلالت بر صلاحیت عام معاونان دارد اما در رویه عملی محدودیت‌های جدی وجود دارد. معاون دادستان اگرچه توسط مجمع انتخاب می‌شود، اما بر اساس لیستی که شخص دادستان ارائه کرده منصوب می‌گردد و فلسفه و برهان وجودی‌اش یاری رساندن به دادستان است ولی آیا یک معاون موقت از جایگاه قانونی و وزن سیاسی لازم برای اتخاذ تصمیمات انحصاری و برگشت‌ناپذیر نظیر اصلاح اتهامات بنیادین، پذیرش ایراد عدم قابلیت پذیرش به استناد اصل تکمیلی بودن صلاحیت (ماده ۱۷) یا لغو کامل یک تحقیقات برخوردار است؟ به صورت کلی معقول‌ترین استدلال می‌توان این چنین باشد که اتکای بیش از حد به معاونان در تصمیمات کلان، به ویژه در غیاب طولانی‌مدت دادستان خطر چالش‌های حقوقی از سوی وکلای مدافع متهمان را در شعبات مقدماتی افزایش می‌دهد و وکلای در مقام دفاع می‌توانند استدلال کنند که اتخاذ تصمیمات حیاتی توسط مقامی که از اختیارات کامل مدیریتی و پاسخگویی مستقیم پیش‌بینی‌شده برای دادستان برخوردار نیست، ناقض رویه عادلانه دادرسی خواهد بود(McDermott, 2015: 63) (Ambos, 2022: 1580).

۴-۱- عملکرد کارکنان دفتر دادستانی

علاوه بر ابعاد حقوقی و قضایی که تاکنون بدان‌ها پرداخته شد، نمی‌توان از تأثیرات ویرانگر این بحران بر روحیه کارکنان دفتر دادستانی، امنیت شغلی افشاگران احتمالی و اعتماد عمومی به سازوکارهای پاسخگویی داخلی غافل شد. فضای کاری در دفتر دادستانی، چنانکه در گزارش بازنگری کارشناسان مستقل (IER) در سال ۲۰۲۰ و همچنین افشاگری‌های رسانه‌ای سال ۲۰۲۶ منعکس شده، فضایی آکنده از ترس از انتقام‌جویی، قلدری سازمانی و فرهنگ سکوت بوده است. هنگامی که کارکنان مشاهده می‌کنند بالاترین مقام نهادشان، افشاگران را تحت فشار قرار داده و سازوکارهای داخلی نظیر سازوکارهای نظارت مستقل دیوان توانایی حمایت از آنان را ندارند، روحیهٔ جمعی و استقلال حرفه‌ای آن‌ها به‌شدت آسیب می‌بیند(صیرفی و کمالوند، ۱۴۰۵: ۲۱). این وضعیت با الزامات صریح آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای دفتر دادستانی مصوب ۲۰۱۴ در تناقض کامل است که این آیین‌نامه، کارکنان دادستانی را به رعایت بالاترین استانداردهای صداقت، بی‌طرفی و عدم سوءاستفاده از موقعیت اداری ملزم می‌سازد (آیین‌نامهٔ رفتار حرفه‌ای، ۲۰۱۴، مقدمه و مواد مرتبط) و غیبت دادستان تحت سایه چنین اتهاماتی می‌توان گفت نوعی خدشه روانی و انفعال سازمانی ایجاد می‌کند که در آن، کارکنان از پیگیری پرونده‌های حساس یا گزارش تخلفات داخلی واهمه خواهند داشت و در نتیجه، یکپارچگی و سلامت اداری نهاد دادستانی از درون فرو می‌پاشد(Independent Expert Review, 2020, p. 74).

۲. راهکارهای پیش‌بینی‌شده در نظام حقوقی دیوان برای مقابله با چنین وضعیتی و چالش‌های آن

نظام حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی، به عنوان عالی‌ترین مرجع رسیدگی به جنایات بین‌المللی، بر طبق اصولی بنا شده است که هدف آن تضمین استقلال، بی‌طرفی و کارآمدی ارکان مختلف دیوان است. تدوین‌کنندگان اساسنامه رم با درک این واقعیت که نهادهای بین‌المللی همواره در معرض بحران‌های ناشی از فشارهای سیاسی، سوءرفتار مقامات عالی یا اختلالات عملکردی قرار دارند، ساختارهای چندلایه‌ای را برای غیبت مدیریت، تخلف یا سوءرفتار مقامات ارشد، به‌ویژه در دفتر دادستانی پیش‌بینی کرده‌اند. دفتر دادستانی به عنوان پیشران محرک دیوان، نقشی کلیدی در آغاز تحقیقات و هدایت دادرسی‌ها ایفا می‌کند و هرگونه تزلزل در جایگاه رهبری آن، می‌تواند به اعتبار کل نهاد آسیب وارد سازد(ا.شبث، ۱۳۹۶: ۶۱). از این رو، بررسی دقیق سازوکارهای پیش‌بینی‌شده برای مقابله با چنین وضعیت‌هایی، از جمله جانشینی موقت، تعلیق و عزل، نظارت مستقل، و مداخلات قضایی جبرانی، برای درک تاب‌آوری نهادی دیوان ضروری است.

۲-۱- جانشینی موقت

نخستین و سریع‌ترین راهکار پیش‌بینی‌شده در نظام حقوقی دیوان برای جلوگیری از بن‌بست‌های عملیاتی، نظام تعیین جانشینی موقت است. همان‌طور که در ماده ۴۲ بند ۲ اساسنامه رم و به تبع آن در مقرره ۱۳ مقررات دفتر دادستانی تصریح شده است، ساختار این رکن به گونه‌ای سلسله‌مراتبی طراحی شده تا در صورت غیبت یا معذوریت دادستان، معاونان وی بتوانند بی‌درنگ هدایت امور جاری را بر عهده گیرند. در جریان تحولات این پرونده نیز کریم خان پیش از صدور قرار تعلیق، در مقطعی در ۲۰۲۵ به صورت داوطلبانه به مرخصی اداری رفت و دو معاون وی بر اساس همین سازوکار، سرپرستی موقت امور را عهده‌دار شدند. در تفسیر این وضعیت، کارستن اشتان استدلال می‌کند که نهاد معاونت صرفاً یک پست تشریفاتی نیست، بلکه یک محافظ نهادی است که برای حفظ پویایی ساختار دادرسی در مواجهه با شوک‌های سیستماتیک طراحی شده است (Stahn, 2015, p. 234). با این حال، اجرای این راهکار خالی از چالش‌های بنیادین نیست چرا همان‌طور ویلیام شاباس خاطرنشان می‌سازد که اقتدار ذاتی نهفته در جایگاه دادستان، فراتر از یک وظیفه اداری است بلکه دادستان نماد بین‌المللی اراده سیاسی برای مبارزه با بی‌کیفری است و مشروعیت سیاسی و دیپلماتیک او به سادگی قابل تفویض به معاونانی که از طریق فرآیندهای متفاوتی انتخاب شده‌اند، نیست (Schabas, 2016, p. 582). بنابراین، اگرچه نظام جانشینی موقت در کوتاه‌مدت به عنوان یک راهکار تسکینی عمل کرده و مانع از توقف فیزیکی تحقیقات می‌شود اما در بلندمدت نمی‌تواند خلأ ناشی از فقدان رهبری مقتدر و دارای مشروعیت مستقیم از سوی مجمع کشورهای عضو را پر کند و دیوان را در اتخاذ تصمیمات حساس، نظیر صدور قرار جلب برای مقامات عالی‌رتبهٔ دولتی، دچار محافظه‌کاری می‌سازد.

۲-۲- چارچوب قانونی تعلیق و عزل در اساسنامه رم و قواعد آیین دادرسی و ادله

سازوکار صریح و اصلی دیوان کیفری بین‌المللی برای مواجهه با انحرافات بنیادین در عملکرد مقامات ارشد، فرآیند حقوقی تعلیق و عزل است که چارچوب کامل آن در ماده ۴۶ اساسنامه رم و قواعد ۲۴ تا ۳۰ آیین دادرسی تدوین شده است. بر اساس ماده ۴۶، برکناری دادستان منوط به احراز سوءرفتار جدی یا نقض جدی وظایف و اخذ رأی اکثریت مطلق اعضای مجمع کشورهای عضو (بیش از نیمی از اعضا) است. در بحران نهادی اخیر، مجمع با اتکا به همین سازوکار و با کسب ۸۲ رأی موافق از مجموع ۱۲۵ کشور، رأی به عزل دادستان صادر کرد. در این میان، قواعد ۲۴ و ۲۵ آیین دادرسی، با هدف قاعده‌مندسازی و جلوگیری از ابزارسازی سیاسی، مرز دقیقی مابین سوءرفتار جدی (که مستوجب عزل است) و تخلفات با ماهیت خفیف‌تر (که صرفاً با اقدامات انضباطی وفق ماده ۴۷ پاسخ داده می‌شوند) ترسیم می‌کنند. و شایان ذکر است که مفهوم تعلیق احتیاطی به‌عنوان اقدامی موقت پیش از اثبات نهایی تخلف، در صدر ماده ۴۶ نیامده، بلکه از اختیارات ضمنی نهادها و به‌ویژه قاعده ۲۸ آیین دادرسی استنتاج می‌شود. این قاعده به هیئت رئیسه اجازه می‌دهد در صورت اقتضای جدیت شکایت، دادستان را موقتاً از کار معلق نماید تا فرآیند تحقیق و تصمیم‌گیری نهایی در فضایی مصون از فشارهای جاری انجام پذیرد. با این حال، تجربه عملی نشان داده است که اعمال این سازوکار با چالش‌های پیچیده‌ای در حوزه استانداردهای اثبات و صلاحیت مراجع رسیدگی‌کننده مواجه است؛ چراکه رویه حقوق

اداری بین‌المللی، برای صیانت از استقلال قضایی، همواره بر ضرورت ارائه ادله متقن و طی فرآیندی شفاف تأکید دارد (Amerasinghe, 2005, p. 280).

۳-۲- مفهوم تعلیق

نقطه ثقل بحران حقوقی در پرونده دادستان کریم خان، افزون بر ابعاد ماهوی اتهامات، به تفسیر مفهوم تعلیق و به‌ویژه تقابل اراده سیاسی مجمع کشورهای عضو با رویه‌های قضایی الزام‌آر بازمی‌گردد. نکته شایان توجه آن است که واژه تعلیق به‌عنوان یک اقدام احتیاطی پیش از اثبات قطعی جرم، در نص صریح مواد اساسنامه رم ذکر نشده است؛ بلکه این مفهوم از اختیارات ضمنی مجمع و به‌طور خاص از قاعده ۲۸ قواعد آیین دادرسی و ادله‌پردازی استنتاج می‌گردد(Broomhall, 2015, p. 1341) بر اساس این قاعده، هیئت رئیسه مجمع می‌تواند در مواردی که جدیت شکایت اقتضا کند، مقام متهم را موقتاً از کار معلق نماید. با این حال، بحران زمانی به اوج رسید که هیئت سه‌نفره قضات کارشناس بررسی‌کننده با استناد به رویه قضایی مستقر در دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار (ILOAT) اعلام کردند که برای اعمال مجازات‌ها و محدودیت‌های انضباطی سنگین، اتهامات باید با استاندارد کیفری فراتر از شک معقول ثابت شوند(ILOAT Judgment No. 5119) بزرگترین شکاف حقوقی و بحران آشکار شده در این پرونده، مناقشه شدید بر سر استاندارد اثبات لازم برای اعمال مجازات‌های انضباطی بر مقامات ارشد دیوان است. دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس موافقت‌نامه‌های نهادی، در امور استخدامی و حقوق اداری کلان تابع رویه قضایی دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار است و نه سیستم تجدیدنظر سازمان ملل متحد (Heller, 2026, para. 12). بر اساس دکترین مستقر و آرای متعدد و قطعی دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار (از جمله آرای شماره ۴۷۴۹، ۴۸۳۲، ۴۳۶۲ و ۵۱۳۳)، بار اثبات در پرونده‌های انضباطی که منجر به اخراج، برکناری یا وارد آمدن لطمه شدید به شهرت و آینده شغلی کارمندان بین‌المللی می‌گردد، منحصراً بر عهده سازمان است و کلیه عناصر اتهام باید با بالاترین استاندارد حقوقی یعنی فراتر از شک معقول ثابت شوند. دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار در رأی شماره ۴۷۴۹ صراحتاً تأکید کرده است که اعمال این استاندارد سخت‌گیرانه برای ایجاد مانع بر سر راه سازمان‌ها جهت برخورد با متخلفان نیست، بلکه به دلیل تبعات ویرانگر مجازات‌های انضباطی است و صرف «احتمال وقوع تخلف» یا ظن قوی برای صدور حکم و نابودی اعتبار یک مقام بین‌المللی کفایت نمی‌کند. در مقابل، سیستم اداری سازمان ملل (UNAT) استاندارد پایین‌تری نظیر ادله روشن و متقاعدکننده (Clear and convincing evidence) را اعمال می‌کند که به مراتب آسان‌تر احراز می‌گردد. هنگامی که گزارش ۱۵۰ صفحه‌ای دفتر خدمات نظارت داخلی توسط هیئت سه‌نفره قضات ارشد بین‌المللی (ترون، لمنز، پانتون) بررسی شد، آن‌ها با اعمال دقیق رویه الزام‌آور دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار و وارسی ۸۵ صفحه‌ای ادله، به اتفاق آرا اعلام کردند که یافته‌های موجود برای اثبات سوءرفتار دادستان فراتر از شک معقول، ناکافی است و مبنایی برای اعمال مجازات انضباطی وجود ندارد. افزون بر این، بن سوانسون به‌عنوان کارشناس ارشد و مدیر سابق تحقیقات دفتر خدمات نظارت داخلی نیز گواهی داد که ادله گردآوری‌شده توانایی عبور از آستانه اثباتی مورد نیاز را ندارند(International Labour Organization Administrative Tribunal, 2024). در نقطه‌ای مقابل، هیئت رئیسه مجمع و متعاقباً مجمع کشورهای عضو، با استناد به اقتدار سیاسی مطلق خود به‌عنوان نهاد بالادستی و با تفسیر موسع از قاعده ۲۸، نظر حقوقی قضات را به‌طور کامل نادیده گرفتند. آن‌ها استدلال کردند که تعلیق و برکناری، اقداماتی حفاظتی برای احیای اعتبار و سلامت محیط کار دیوان هستند و نیازی به تطابق قطعی با استانداردهای سخت‌گیرانه کیفری و اداری ندارند. در واقع، هیئت رئیسه مجمع با استناد به اقتدار سیاسی خود و منطق قاعده ۲۸، استدلال کرد که تعلیق یک اقدام حفاظتی برای حفظ اعتبار دیوان است، نه یک مجازات قطعی؛ از این رو، مجمع با نادیده گرفتن نظر محافظه‌کارانه قضات و با اتخاذ رویکردی مبتنی بر استانداردهای پایین‌تر اثبات در امور اداری، حکم به تعلیق داد. این تضاد آشکار، شکافی خطرناک میان تفسیر حقوقی قضات (مبتنی بر حقوق استخدامی بین‌المللی و حاکمیت قانون) و اراده سیاسی مجمع کشورهای عضو (مبتنی بر مصلحت‌سنجی نهادی) را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه ابهام در فرآیند تعلیق و استانداردهای اثباتی می‌تواند استقلال نهاد دادستانی را در برابر ائتلاف‌های سیاسی، یک‌شبه قربانی کرده و دادرسی عادلانه را نقض نماید (Islam, 2026, p. 52). این واقعه پرده از نقص سیستماتیک در ساختار اساسنامه رم برداشت زیرا جایی که ابهام در استانداردهای اثباتی، زمینه‌ساز اولویت‌یابی اراده سیاسی بر اصول بنیادین حقوقی می‌گردد و مشروعیت و کارآمدی دیوان را با چالشی بنیادین روبرو می‌سازد.

۲-۴- سازوکار نظارت مستقل

از پیشگیری هنجاری تا انسداد عملیاتی: برای پیشگیری از بروز بن‌بست‌های حقوقی و سیاسی در رسیدگی به تخلفات درون‌سازمانی، نظام نهادی دیوان به استناد ماده ۱۱۲ بند ۴ اساسنامه رم، نهادی فرعی تحت عنوان سازوکار نظارت مستقل (Independent Oversight Mechanism - IOM) را طراحی کرده است. مجمع دولت‌های عضو پس از درک خلأهای موجود در نظارت داخلی و تأسیس اولیه این رکن در سال ۲۰۰۹، نهایتاً با تصویب قطعنامه ICC-ASP/12/Res.6 در سال ۲۰۱۳، مأموریت عملیاتی کامل این نهاد را تحت اقتدار مجمع به تصویب رساند (ICC-ASP, 2013, p. 2). هدف از ایجاد سازوکار نظارت مستقل، فراهم آوردن یک بازوی اجرایی بی‌طرف، حرفه‌ای و غیرسیاسی جهت بازرسی، ارزیابی و تحقیق پیرامون شکایات و اتهامات ناظر بر سوءرفتار جدی علیه تمامی کارکنان و مقامات انتخابی عالی‌رتبه دیوان، از جمله شخص دادستان بود. با این وجود، در جریان بحران منتهی به عزل دادستان در سال ۲۰۲۶، این سازوکار به وضوح ناکارآمدی ساختاری خود را به نمایش گذاشت و نتوانست به عنوان یک مرجع مستقل و کارآمد عمل کند. ریشه اصلی این ناکامی نهادی را باید در فقدان ضمانت‌های اجرایی کارآمد برای حمایت از افشاگران و هراس مشروع شاکیان از نفوذ گسترده و سلسله‌مراتبی دادستان بر ساختارهای اداری و پرسنل دیوان جست‌وجو کرد. از آنجا که بودجه و بخشی از منابع اداری سازوکار نظارت مستقل با ساختار کلی دیوان در هم تنیده است، شاکی اصلی در مه ۲۰۲۴ به دلیل بی‌اعتمادی به محرمانگی فرآیندها و بیم از انتقام‌جویی شغلی، از همکاری و طرح شکایت رسمی در این مرجع امتناع ورزید، امری که به مختومه شدن اولیه پرونده در سطح داخلی انجامید. این انسداد و فلج نهادی، هیئت رئیسه مجمع دولت‌های عضو را ناگزیر ساخت تا با عبور از مکانیسم‌های درون‌سازمانی و کنار گذاشتن بازوی نظارتی خود، انجام تحقیقات را به یک مرجع کاملاً بیرونی، یعنی دفتر خدمات نظارت داخلی سازمان ملل متحد (OIOS) برون‌سپاری نماید. تجربه شکست سازوکار نظارت مستقل در این پرونده اثبات کرد که ساختارهای نظارت داخلی در سازمان‌های بین‌المللی، تا زمانی که از استقلال کامل مالی، ساختاری و حفاظتی برخوردار نباشند، در برابر تخلفات مقامات ارشد کارایی نداشته و قادر به جلب اعتماد شاکیان و تضمین دادرسی منصفانه نخواهند بود. در کنار این سازوکار نظارتی، در سطوح هنجاری و اداری نیز نقش مقررات و آیین‌نامه کارکنان، مقررات مالی و به‌ویژه آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای دفتر دادستانی بسیار حائز اهمیت است. این ضوابط به ساختار اداری دیوان اجازه می‌دهند تا تدابیر احتیاطی نظیر مرخصی اداری اجباری یا محدودسازی دسترسی فیزیکی و اطلاعاتی فرد مظنون به پرونده‌ها را اعمال کند. هرچند شمول قواعد استخدامی عادی بر مقامات انتخابی و مستقلی همچون دادستان همواره محل مناقشه حقوقی بوده است اما فشارهای ناشی از همین الزامات حرفه‌ای و بیم از نقض صریح آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای موجب شد تا کریم خان پیش از صدور قرار تعلیق و رأی قطعی عزل توسط مجمع، مقطعی را در مرخصی داوطلبانه سپری کند؛ بنابراین، مقررات یادشده انعطاف‌پذیری اولیه‌ای را برای صیانت از سلامت دادرسی در دوره تحقیقات فراهم می‌آورند، بی‌آنکه در گام نخست نیازی به فعال‌سازی اهرم‌های سنگین و سیاسی عزل در مجمع دولت‌های عضو باشد (شریعت باقری، ۱۴۰۱: ۱۸۳).

۲-۵- تضمین استمرار حقوق دفاعی متهمان و حقوق بزه‌دیدگان از طریق مداخله قضایی

نظام حقوقی دیوان برای صیانت از حقوق دفاعی متهمان و منافع بزه‌دیدگان در دوره‌های تلاطم رکن تعقیب، تمهیدات قضایی جبرانی اندیشیده است. ماده ۵۶ اساسنامه رم و رویه قضایی شعب مقدماتی، نقش قاضی را از یک داور منفعل فراتر می‌برد. به ویژه بر اساس ماده ۵۶ بند ۳(الف) اساسنامه، در مواردی که به دلیل غیبت دادستان یا انفعال موقت رکن تعقیب، فرصت تحقیقی منحصربه‌فردی (نظیر استماع شهادت یا تحصیل ادله‌ای که در معرض امحا و نابودی قرار دارند) از دست برود و عدم اقدام دادستان غیرموجه تشخیص داده شود، شعبه مقدماتی می‌تواند رأساً وارد عمل شده و اقدامات مقتضی را برای حفظ ادله و صیانت از حقوق دفاع به عمل آورد (اساسنامهٔ رم، ۱۹۹۸، مادهٔ ۵۶) و علاوه بر این، قاعده ۱۱۹ آیین دادرسی و ادله، به قضات این اختیار را می‌دهد که بر شرایط دادرسی، از جمله تمدید یا لغو بازداشت‌های پیش از محاکمه در صورت تأخیر غیرموجه دادستانی، نظارت کنند. اتکا به شعب مقدماتی در غیاب دادستان، ساختار توازن قدرتمندی است که مانع از تضییع حقوق بنیادین متهمان و قربانیان در دوران گذار و بی‌ثباتی می‌شود.

نتیجه

چالش بی‌سابقه در نهاد حقوق کیفری بین‌المللی که با تعلیق اجباری و سپس برکناری کریم خان، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، در تابستان ۲۰۲۶ به اوج خود رسید تنها ماجرای سقوط یک مقام عالی‌رتبه نبود، بلکه آزمونی برای کل ساختار حقوقی و سیاسی عدالت کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود. این رویداد از یک سو، عمق وابستگی کارآمدی دیوان به شخص دادستان را به تصویر کشید و از سوی دیگر، شکاف‌های میان هنجارهای حقوقی، استانداردهای انضباطی و واقعیت‌های سیاسی را به نحو هشداردهنده‌ای برملا ساخت. پژوهش با تحلیل مفاد اساسنامه رم، رویه‌های اداری بین‌المللی و تحولات عملی پرونده نشان داد که غیبت دادستان در بزنگاه تعقیب حساس‌ترین پرونده‌های تاریخ دیوان، خلأ رهبری‌ای پدید آورد که نه‌تنها پیشبرد تحقیقات در فلسطین، اوکراین و افغانستان را با ایستایی و تأخیر سنگین مواجه ساخت بلکه مشروعیت تصمیمات آتی دفتر دادستانی را در هاله‌ای از ابهام حقوقی فرو برد.

بررسی ابعاد چالش آشکار ساخت که راهکارهای پیش‌بینی‌شده در نظام حقوقی دیوان، اگرچه در ظاهر منطقی و جامع جلوه می‌نمایند اما در مقام اجرا با ضعف‌هایی روبرویند. جانشینی موقت معاونان به رغم جلوگیری از توقف کامل و فوری این نهاد بین‌المللی، نمی‌تواند وزن سیاسی و اقتدار دیپلماتیک لازم برای تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌سازی چون صدور قرار بازداشت علیه رهبران قدرت‌های بزرگ را تأمین کند. سازوکار تعلیق و عزل نیز به جای آنکه بر معیارهای متقن حقوقی استوار باشد به عرصه‌ای برای تقابل استانداردهای اثباتی تبدیل شد. تضاد میان رویه الزام‌آور دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار که اثبات اتهامات انضباطی را صرفاً در سایه استاندارد فراتر از شک معقول مجاز می‌شمرد و اقدام مجمع کشورهای عضو که با تکیه بر مصلحت‌سنجی سیاسی و تفسیری موسع از قاعده ۲۸ آیین دادرسی، نظر قاطع هیئت قضایی را نادیده گرفت، شکافی میان حاکمیت قانون و اراده سیاسی پدید آورد. آنچه روی داد، هشداری جدی است که در غیاب استانداردهای شفاف و یکپارچه برای رسیدگی به اتهامات وارده بر مقامات ارشد، ابزارهای انضباطی می‌توانند به حربه‌ای برای تسویه حساب‌های سیاسی یا زمین‌گیر کردن استقلال قضایی بدل شوند.

ناکامی سازوکار نظارت مستقل در این ماجرا نیز زنگ خطر را برای سلامت اداری دیوان به صدا درآورد چرا که شاکی اصلی پرونده به دلیل ترس از انتقام‌جویی و بی‌اعتمادی به محرمانگی، از همکاری خودداری ورزد و مجمع ناچار شود برای نخستین بار تحقیقات را به نهادی کاملاً بیرونی همچون دفتر خدمات نظارت داخلی سازمان ملل واگذار کند که موردی جز فروپاشی اعتماد درونی و شکست ساختارهای پاسخگویی داخلی نیست و این ضعف بی تردید روحیه و عملکرد کارکنان دفتر دادستانی را فرسوده و فرهنگ سکوت را نهادینه می‌سازد که خود تهدیدی بلندمدت برای یکپارچگی تحقیقات کیفری است و از این رو، بحران حاصل از کریم خان نه فقط یک استثناء، بلکه نمود آشکار آسیب‌پذیری‌های ساختاری دیوان کیفری بین‌المللی است. اگر این نهاد بخواهد از این چالش نهادی سربلند بیرون بیاید و از تکرار فاجعه‌ای مشابه پیشگیری کند اصلاحات فوری برایش نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت حیاتی است و این اصلاحات باید سه حوزه کلیدی را در برگیرند:

۱. شفاف‌سازی صریح و لازم‌الاجرای استاندارد اثباتی لازم برای تعلیق و عزل مقامات ارشد در اساسنامه یا مقررات دیوان تا از غلبه مصلحت‌اندیشی سیاسی بر دادرسی منصفانه جلوگیری شود.
۲. تقویت استقلال ساختاری، مالی و حفاظتی سازوکار نظارت مستقل به گونه‌ای که شاکیان بتوانند بدون واهمه از تلافی، تخلفات را گزارش دهند.
۳. تبیین دقیق حدود و ثغور اختیارات معاونان و سرپرستان موقت در تصمیمات راهبردی نظیر آغاز یا ختم تحقیقات و صدور قرارهای جلب، تا از انفعال سازمانی و مخدوش شدن دادرسی‌ها جلوگیری به عمل آید.

فهرست منابع

فارسی

۱. افراسیابی، علی. (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی معیارهای متهم‌انگاری در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، آراء دیوان اروپایی حقوق بشر و نظام حقوقی ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۸(۲۷)، ۳۲-۶۹. https://doi.org/10.22034/law.2024.2041572.1460

۲. باقری، جهانگیر، تنهایی دیلمقانی، آیدا، و علیئی، هادی. (۱۴۰۲). بررسی جنایات جنگی در منازعه اوکراین و روسیه با تاکید بر کیفرخواست جنایات جنگی علیه پوتین. مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی علوم حقوقی و قضایی. https://civilica.com/doc/1896836

۳. داعی الاسلام، سیدسعید. (۱۴۰۱). تحریم قضات دیوان کیفری بین المللی توسط ایالات متحده آمریکا در پرتو قواعد حقوق بین الملل. تمدن حقوقی، ۵(۱۳)، ۱۶۰-۱۳۹. https://sid.ir/paper/1038028/fa

۴. قربان جهرمی، علی‌اکبر. (۱۴۰۴). چالش‌های دیوان کیفری بین‌المللی در اجرای قرار بازداشت علیه سران کشورها (مطالعه موردی عمر البشیر و ولادیمیر پوتین). مجموعه مقالات بیست و دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات حقوقی و قضایی. https://civilica.com/doc/2463672

۵. حسینی اکبرنژاد، حوریه و غفاری مهرجردی، غفار. (۱۴۰۵). چالش‌های صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات جنگی مقامات رژیم صهیونیستی با تأکید بر حمله به غزه در سال ۲۰۲۳. مجله حقوقی بین المللی، ۴۳(شماره ۸۲(تابستان))، ۶۵-۸۶. https://doi.org/10.22066/cilamag.2025.2025129.2587

۶. رنجبر دافچاهی، سجاد و قدیر، محسن. (۱۴۰۴). تحلیل مسؤولیت‌کیفری فرماندهان نظامی گروه واگنر در جنگ اوکراین با تأکید بر نظریه «مسؤولیت‌فرماندهی» در رویه دیوان‌کیفری‌بین‌المللی. حقوق‌جزای بین‌الملل، ۳(۳)، ۳۷-۵۴. https://doi.org/10.22034/iclj.2025.226653

۷. صابر، محمود. (۱۴۰۱). آیین دادرسی کیفری دیوان کیفری بین‌المللی. انتشارات دادگستر.

۸. صالحی, جواد . (۱۴۰۱). چشم‌انداز عبور از موانع صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در وضعیت افغانستان. آموزه‌های حقوق کیفری, ۱۹(۲۳), ۱۷۹-۲۰۲. doi: 10.30513/cld.2023.4158.1665

۹. ا.شبث ، ویلیام. (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی (ترجمه سید باقر میرعباسی و حمید الهونی نظری توسط). انتشارات جنگل.

۱۰. صیرفی، ساسان و کمالوند، امیر محمد. (۱۴۰۵). استقلال قضایی قضات دیوان کیفری بین‌المللی. (e741887). دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی، (). https://doi.org/10.22034/jrpl.2026.2088845.1223

۱۱. شریعت باقری، محمدجواد. (۱۴۰۱). اسناد دیوان کیفری بین‌المللی (اساسنامه، سند نهایی و قطعنامه مصوب کنفرانس رم، موافقت‌نامه روابط دیوان کیفری بین‌المللی و سازمان ملل متحد و سایر اسناد مرتبط).. مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۱۲. شیروانی، خدیجه، حمیداوی، علی و صادقی نژاد، علی. (۱۴۰۵). واکاوی سه‌گانه چالش‌های دستگیری متهم در دیوان بین‌المللی کیفری: از بن‌بست‌های اجرایی تا تعارضات قانونی و قضایی. (e736164). دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم شناسی، (). https://doi.org/10.22034/jclc.2026.2088743.1341

انگلیسی

13. Ambos, K. (2022). Rome Statute of the International Criminal Court: Article-by-Article Commentary (4th ed.). C.H.Beck. https://doi.org/10.17104/9783406779268
14. Amerasinghe, C. F. (2005). Principles of the institutional law of international organizations Cambridge University Press.
15. Bergsmo, M. (2003). Preliminary observations on the powers and role of the Prosecutor of the International Criminal Court. Legal Tools. https://www.legal-tools.org/doc/6cff4b/pdf/
16. Bridgeman, T., Buchwald, T., Dannenbaum, T., Hamilton, R., & Shah, P. (Hosts). (2024, May 20). The Just Security Podcast: A Request for ICC Arrest Warrants and the Israel-Hamas War [Audio podcast episode]. Just Security. https://www.justsecurity.org/95930/icc-arrest-warrants-israel-
17. Broomhall, B. (2015). Rules of Procedure and Evidence. In The Rome Statute of the International Criminal Court (pp. 1333-1352). Nomos Verlagsgesellschaft mbH & Co. KG.
18. Heller, K. J. (2026, March 23). *The standard of proof in ICC disciplinary proceedings*.OpinioJuris. https://opiniojuris.org/2026/03/23/the-standard-of-proof-in-icc-disciplinary-proceedings/

Accepted | Awaiting publication | Draft Version Published

19. ICC Assembly of States Parties (ICC-ASP). (2013). Independent Oversight Mechanism. Resolution ICC-ASP/12/Res.6. https://asp.icc-cpi.int/sites/default/files/asp_docs/Resolutions/Tenth/ICC-ASP-12-Res6-ENG.pdf
20. ICC chief prosecutor Karim Khan suspended amid sexual misconduct inquiry. (2026). The Guardian. https://www.theguardian.com/law/2026/jun/09/icc-chief-prosecutor-karim-khan-suspended-international-criminal-court
21. ILO Administrative Tribunal (ILOAT). (2024). Jurisprudence on Disciplinary Measures and Standard of Proof. (Referenced specifically under standard rules akin to Judgment No. 5119).
22. Independent Expert Review. (2020). Report of the Independent Expert Review on the International Criminal Court and the Rome Statute system. International Criminal Court. https://www.icc-cpi.int/itemsDocuments/ier-final-report-eng.pdf
23. Islam, T. (2026). From Politics to Bureaucracy: How Inefficiencies of the International Criminal Court (ICC) Enable the Persistence of War Crimes in the 21st Century (Master's thesis, Fordham University).
24. International Labour Organization Administrative Tribunal. (2024). Judgment No. 4749 (Complaint against the International Criminal Court). https://wwwex.ilo.org/dyn/triblex/triblexmain.detail?p_lang=en&p_judgment_no=4749&p_session_id=137&p_language_code=EN
25. Lepard, B. D. (2010). How should the ICC Prosecutor exercise his or her discretion? The role of fundamental ethical principles. UIC Law Review, 43(3), 553-567. https://repository.law.uic.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1086&context=lawreview
26. McDermott, Y. (2015). Article 42 - The Office of the Prosecutor. Yn M. Klamberg (Gol.), The Commentary on the Law of the International Criminal Court TOAEP. https://www.casematrixnetwork.org/cmn-knowledge-hub/icc-commentary-clicc/commentary-rome-statute/commentary-rome-statute-part-4/#c3761
27. Milaninia, N. (2025, May 28). Upholding justice within: Strengthening internal accountability at the International Criminal Court. Just Security. https://www.justsecurity.org/113808/strengthening-internal-accountability-icc/
28. QUELL, MOLLY (2026, June 8). ICC chief prosecutor suspended pending decision by oversight body on sexual misconduct allegations. AP News. https://apnews.com/article/international-criminal-court-khan-suspended-8d7b68e361a27ef08cfe515a131af230
29. Schabas, W. A. (2016). Amendments to provisions of an institutional nature/Amendements aux dispositions de caractè re institutionnel. In W. A. Schabas, The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute (2nd ed.). Oxford University Press. https://doi.org/10.1093/law/9780198739777.003.0127
30. Schabas, W. A. (2020). An introduction to the International Criminal Court (6th ed.). Cambridge University Press.
31. Stahn, C. (2015). The Law and Practice of the International Criminal Court. Oxford University Press
32. Stahn, C. (2020). A critical introduction to international criminal law. Cambridge University Press
33. United Nations. (2026, July 24). International Criminal Court Prosecutor Karim Khan dismissed. UN News. https://news.un.org/en/story/2026/07/1168025
34. Van den Berg, S., & Deutsch, A. (2026, June 12). Prosecutor Khan's suspension prolongs International Criminal Court's woes. Al-Monitor. https://app.al-monitor.com/originals/2026/06/prosecutor-khans-suspension-prolongs-international-criminal-

References

1. Afrasiabi, A. (2025). A comparative study of the criteria for the characterization of the accused in the Statute of the International Criminal Court, the jurisprudence of the European Court of Human Rights, and the Iranian legal system. Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law, 8(27), 32-69. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/law.2024.2041572.1460
2. Ambos, K. (2022). Rome Statute of the International Criminal Court: Article-by-Article Commentary (4th ed.). C.H.Beck. https://doi.org/10.17104/9783406779268
3. Amerasinghe, C. F. (2005). Principles of the institutional law of international organizations Cambridge University Press.
4. Bagheri, J., Tanhaei Dilmaghani, A., & Aliyi, H. (2023). Examining war crimes in the Ukraine-Russia conflict with an emphasis on the war crimes indictment against Putin. Proceedings of the 16th International Conference on Law and Judicial Sciences. [In Persian]. https://civilica.com/doc/1896836
5. Bergsmo, M. (2003). Preliminary observations on the powers and role of the Prosecutor of the International Criminal Court. Legal Tools. https://www.legal-tools.org/doc/6cff4b/pdf/
6. Bridgeman, T., Buchwald, T., Dannenbaum, T., Hamilton, R., & Shah, P. (Hosts). (2024, May 20). The Just Security Podcast: A Request for ICC Arrest Warrants and the Israel-Hamas War [Audio podcast episode]. Just Security. https://www.justsecurity.org/95930/icc-arrest-warrants-israel-
7. Broomhall, B. (2015). Rules of Procedure and Evidence. In The Rome Statute of the International Criminal Court (pp. 1333-1352). Nomos Verlagsgesellschaft mbH & Co. KG.
8. Daei-ol-Eslam, S. S. (2022). United States sanctions against the judges of the International Criminal Court in the light of the rules of international law. Legal Civilization, 5(13), 139-160. [In Persian]. https://civilica.com/doc/1661942/
9. Ghorban Jahromi, A. A. (2025). Challenges of the International Criminal Court in executing arrest warrants against heads of state (Case study of Omar al-Bashir and Vladimir Putin). Proceedings of the 22nd International Conference on Legal and Judicial Studies. [In Persian]. https://civilica.com/doc/2463672
10. Heller, K. J. (2026, March 23). The standard of proof in ICC disciplinary proceedings. OpinioJuris. https://opiniojuris.org/2026/03/23/the-standard-of-proof-in-icc-disciplinary-proceedings/
11. Hosseini Akbarnejad, H., & Ghaffari Mehrjerdi, G. (2026). Challenges to the jurisdiction of the International Criminal Court in prosecuting war crimes committed by Israeli regime officials with an emphasis on the 2023 attack on Gaza. International Law Review (Majalleh-ye Hoquqi-ye Beinolmelali), 43(82), 65-86. [In Persian].
12. ICC Assembly of States Parties (ICC-ASP). (2013). Independent Oversight Mechanism. Resolution ICC-ASP/12/Res.6. https://asp.icc-cpi.int/sites/default/files/asp_docs/Resolutions/Tenth/ICC-ASP-12-Res6-ENG.pdf
13. ICC chief prosecutor Karim Khan suspended amid sexual misconduct inquiry. (2026). The Guardian. https://www.theguardian.com/law/2026/jun/09/icc-chief-prosecutor-karim-khan-suspended-international-criminal-court
14. ILO Administrative Tribunal (ILOAT). (2024). Jurisprudence on Disciplinary Measures and Standard of Proof. (Referenced specifically under standard rules akin to Judgment No. 5119).
15. Independent Expert Review. (2020). Report of the Independent Expert Review on the International Criminal Court and the Rome Statute system. International Criminal Court. https://www.icc-cpi.int/itemsDocuments/ier-final-report-eng.pdf
16. International Labour Organization Administrative Tribunal. (2024). Judgment No. 4749 (Complaint against the International Criminal Court). https://wwwex.ilo.org/dyn/triblex/triblexmain.detail?p_lang=en&p_judgment_no=4749&p_session_id=137&p_language_code=EN
17. Islam, T. (2026). From Politics to Bureaucracy: How Inefficiencies of the International Criminal Court (ICC) Enable the Persistence of War Crimes in the 21st Century (Master's thesis, Fordham University).
18. Lepard, B. D. (2010). How should the ICC Prosecutor exercise his or her discretion? The role of fundamental ethical principles. UIC Law Review, 43(3), 553-567. https://repository.law.uic.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1086&context=lawreview

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

19. McDermott, Y. (2015). Article 42 - The Office of the Prosecutor. Yn M. Klamberg (Gol.), The Commentary on the Law of the International Criminal Court TOAEP. https://www.casematrixnetwork.org/cmn-knowledge-hub/icc-commentary-clicc/commentary-rome-statute/commentary-rome-statute-part-4/#c3761
20. Milaninia, N. (2025, May 28). Upholding justice within: Strengthening internal accountability at the International Criminal Court. Just Security. https://www.justsecurity.org/113808/strengthening-internal-accountability-icc/
21. QUELL, MOLLY (2026, June 8). ICC chief prosecutor suspended pending decision by oversight body on sexual misconduct allegations. AP News. https://apnews.com/article/international-criminal-court-khan-suspended-8d7b68e361a27ef08cfe515a131af230
22. Ranjbar Dafchahi, S., & Ghadir, M. (2025). Analyzing the criminal responsibility of military commanders of the Wagner Group in the Ukraine war with an emphasis on the theory of command responsibility in the jurisprudence of the International Criminal Court. International Criminal Law, 3(3), 37-54. [In Persian].
23. Saber, M. (2022). Criminal procedure of the International Criminal Court. Dadgostar Publishing. [In Persian].
24. Salehi, J. (2022). The Prospect of Overcoming the Obstacles of the Jurisdiction of the International Criminal Court in the Situation of Afghanistan. Criminal Law Doctrines, 19(23), 179-202. doi: 10.30513/cld.2023.4158.1665 [In Persian].
25. Schabas, W. A. (2016). Amendments to provisions of an institutional nature/Amendements aux dispositions de caractè re institutionnel. In W. A. Schabas, The International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute (2nd ed.). Oxford University Press. https://doi.org/10.1093/law/9780198739777.003.0127
26. Schabas, W. A. (2017). An introduction to the International Criminal Court (S. B. Mirabbasi & H. Elahouei Nazari, Trans.). Jangal Publications. [In Persian].
27. Schabas, W. A. (2020). An introduction to the International Criminal Court (6th ed.). Cambridge University Press.
28. Seirafi, S., & Kamalvand, A. M. (2026). Judicial independence of the judges of the International Criminal Court. Bi-Quarterly Journal of Research and Development in Public Law, Article e741887. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/jrpl.2026.2088845.1223
29. Shariat Bagheri, M. J. (2022). Documents of the International Criminal Court. Majd Scientific and Cultural Assembly. [In Persian].
30. Shirvani, K., Hamidavi, A., & Sadeghinejad, A. (2026). A tripartite analysis of the challenges of arresting the accused in the International Criminal Court: From executive deadlocks to legal and judicial conflicts. Bi-Quarterly Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology, Article e736164. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/jclc.2026.2088743.1341
31. Stahn, C. (2015). The Law and Practice of the International Criminal Court. Oxford University Press
32. Stahn, C. (2020). A critical introduction to international criminal law. Cambridge University Press
33. United Nations. (2026, July 24). International Criminal Court Prosecutor Karim Khan dismissed. UN News. https://news.un.org/en/story/2026/07/1168025
34. Van den Berg, S., & Deutsch, A. (2026, June 12). Prosecutor Khan's suspension prolongs International Criminal Court's woes. Al-Monitor. https://app.al-monitor.com/originals/2026/06/prosecutor-khans-suspension-prolongs-international-criminal-